

مسئله همراه با جوایز

۱۴ عدد کارت هدیه اعتباری سیصد هزار ریالی

فقط کیفیت گزینه صحیح توسط مطروحه در متن

را دقیقاً طبق دستورالعمل مطروحه به آدرس ما پیامک کنید

**اهمیت حضور قلب در
نماز چیست؟**

**موانع حضور قلب در
نماز کدام است؟**

**آیا راه درمان مؤثری بر
عدم حضور قلب در نماز
وجود دارد؟**

...



دانشگاه علوم پزشکی شیراز، بهداشت
و درمان دانشجویی و فرهنگی
مهرماه ۱۳۹۴، تهران فرهنگسرای امامعلی، طبقه اول، پانزدهم

متمركز كند بدون اينكه به جايي ديگر پرواز نمايد و راه نيل به اين هدف، عمل نمودن به خلاف است يعنى انسان در وقت نماز، خودش را مهيا كند كه حفظ خيال كند و آن را در اعمال و اذكار نماز حيس و متمركز نمايد و به مجرد اينكه اين خيال بخواهد خودش را از چنگ انسان فراري دهد، زمامش را بگشود و آن را استرجاع نمايد و دوباره به سر جاي اولش برگرداند و در هر يك از حرركات و سكنات و اذكار و اعمال نماز، كاملاً مواظب خيال باشد و لحظه‌اي رهايش ننمايد تا فرار كند. بلى، درست است كه اين كار، اوتال، كاري صعب و سخت به نظر مي رسد ولي انسان پس از مدتي عمل و دقت و علاج، حتماً مي تواند خيال را رام خود كند. شما انتظار آن را نداشته باشيد كه در اول امر، بتوانيد در تمام طول مدت نماز، خيال را رام خود كنيد، چنين انتظاري غير ممكن و محال است. ممكن است در ابتدای امر، در يك دهم و يا كمتر از آن، از زماني كه براي نماز خواندن صرف مي كند بتواند خيال و فكر خود را متمركز نماز نمايد و حضور قلب داشته باشد ولي كم كم، انسان اگر در فكر باشد و خود را محتاج به آن ببيند، توجه بیشتری را در اين موضوع بدست مي آورد و اندك اندك زمام اختيار خيال خود را بيشتر در دست مي گيرد و هيچ گاه نپايد انسان مايوس شود كه پاس، سرچشمه همه سستي ها و ناتواني هاست و برقي اميده انسان را به كمال سعادت خویش مي رساند. ولي عمده مطلب در اين باب، حس احتياج است كه متأسفانه در ما كمتر است؛ قلب ما باور نكرده كه سرمايه سعادت جهان آخرت و وسيله زندگي روزهاي بي پايان آن، نماز است. متأسفانه ما نماز را سربار زندگاني خود مي شماريم و تحميل و تكليف مي دانيم. ما كه حبّ دنيا داريم بخاطر آن است كه نتايج آن را دريافته ايم و حس کرده ايم و قلميانه به آن ايمان دارد و لذا در كسب آن، نياز به موعظه و دعوت نيستيم. فلسفه دعوت انبياء الهي دعوت به دنيا نيست زيرا حس شهوت و غضب و شيطان باطن و ظاهر براي دعوت به دنيا كفايت مي كند و نياز به بعثت انبياء نيست. بلكه انبياء آمده اند كه شهوت و ميل انسان به دنيا را كنترول كنند و مثلاً به انسان يگويند: مال را از هر راه تحصيل نكن و شهوت را از هر طريقي فرونشان. شهوت جنسي را با ازدواج درمان و كنترول كن و اگر دعوت به تجارت و صنايع و زراعت و... کرده اند در واقع خواسته اند كه انسان، اين امور را از راه باطل تحصيل نكند. بلى، پيامبران مخالف مطلق دنيا نيستند چرا كه آن، مخالفت با نظام جهان هستي است.

ادامه دارد...

منبع: حضور قلب در نماز از پندگاه عالمان رباني و عارفان الهي - به اهتمام محمد بهيبي نشر آثار - رساله علمي ي تراجم علامه تقلید

سؤال و جواب

پيامبر اکرم صلی الله عليه و اله:

تا دل درست نشود، ايمان درست نخواهد شد و
تا زبان درست نشود، دل درست نخواهد شد.

يا حفيظ
يا ذا الجلال
يا ذا الازلال
يا ذا القدر
يا ذا العرش
يا ذا العرش
يا ذا العرش

کد ویژه نامه:
۹۴۳۵

مثال: ۹۴۳۲۱۴ علی اربابی بیمارستان خمین

شود و به روی صاحبش زده شود.
امام باقر(ع): از نماز بپنده، نصف یا ثلث یا ربع یا خمسش بالا می رود، پس بالا نمی رود برای او مگر آنچه را اقبال به قلب نموده است بر آن. و ما مأمور شدیم به ناقله که نقایص فرائض بوسیله آن جبران شود.

نتیجه گیری

طبق بیان روایات، قبولی نماز شرط قبولی سایر اعمال است و اگر نماز قبول نشود، به اعمال دیگر اصلاً نظر نکنند و قبولی نماز، به اقبال قلب است که بدون آن، نماز در درجه اعتبار ساقط و لایق محض حضرت حق نیست و مورد قبول واقع نمی شود (و فقط در حد یک ادای تکلیف واجب بوده و رشداً فرین نخواهد بود، گر چه خواندن آن از نخودندش بسیار بهتر است و ما مکلف به انجام واجبات و ترک محرمات الهی هستیم) بنابراین کلید گنج اعمال و باب الایوب همه سعادت، حضور قلب است و زمام امر در دست نوست و خدای تعالی حجت را تمام و راه های سعادت و شقاوت را به انسان نشان داده و توفیقات ظاهری و باطنی را عطا فرموده؛ آنچه از جانب او و اولیای اوست، تمام است، اکنون نوبت اقدام ماست. آنها رهنمایند و ما راهرو، لذا اکنون که فضیلت و خواص حضور قلب را عقلاً و نقلاً دانستیم و ضررهای ترک آن را فهمیدیم، این نکته را دقت کنیم که علم تنها کافی نیست، باید دامن همت به گم رزمی و آنچه را دانستیم در صدد تحصیل و عمل به آن باشیم تا از نتایج سودمند آن بهره مند گردیم و راه تحصیل آن، این است که اولاً موانع حضور قلب را برطرف کنیم و پس از آن، اقدام به خود آن نمائیم.

موانع حضور قلب:

موانع حضور قلب در عبادت، تشمت و پریشانی خاطر و کثرت واردات قلبیه است و علل آن یا خارجی است و یا باطنی. علل ظاهری پریشانی خاطر، به حواس ظاهری انسان بر می گردد مثلاً گوش و یا چشم انسان در حال عبادت چیزی را می شنود و یا می بیند و خاطر انسان به آن متوجه می شود و این موضوع مبدأ تخیلات و تفکرات شخص در حین عبادت می گردد و فکر او از این شاخه به آن شاخه می برد. گرچه بزرگان فرموده اند برای علاج این موضوع، شخص نمازگزار اقدام به رفع اسباب حواس پرپی می کند مثلاً در اتاق تاریک و یا محل خلوتی نماز گزارد و چشم خود را به وقت اقامه نماز ببندد و در مکان هایی که جلب

خواننده گرامی

در ویژه نامه های قبلی (کدهای ۹۴۳۲ و ۹۴۳۴) با استفاده از آثار بزرگان، مطالبی در خصوص اهمیت حضور قلب در نماز بیان کردیم. حال در این ویژه نامه ضمن بیان گزیده ای از احادیث راجع به حضور قلب، به نتیجه گیری این بحث و سپس به موضوع "موانع حضور قلب" خواهیم پرداخت.

گزیده ای از احادیث راجع به حضور قلب:

پیامبر(ص) عبادت کن خدای تعالی را چنانچه گویا او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند.
پیامبر(ص): کسی که دو رکعت نماز بجا آورد و در آن به چیزی از دنیا متوجه نشود، خدای تعالی گناهان او را می آمرزد.
امام باقر(ع): وقتی بنده مومن به نماز بایستد، خدای تعالی نظر به سوی او کند تا از نماز منصرف شود و رحمت از بالای سرش بر او سایه افکند و ملائکه، اطراف و جوانب او را تاق آسمان فرا گیرند و خداوند فرشته ای را موکل او کند که بالای سر او بایستد و بگوید:

سؤال اول) نقش اصلی نواها در نماز های واجب طبق بیان امام باقر(ع) کدام است؟

- ۱) فقط نواها نماز واجب را بالا می برد.
- ۲) جبران کننده نقائص نماز های واجب است.
- ۳) از نظر احکام شرعی، نماز باطل را به نماز صحیح تبدیل می کند.
- ۴) نماز مورد.

ای نمازگزار! اگر بدانی چه کسی به سوی تو نظر می کند و با چه کسی مناجات می کنی، توجه به جایی نمی کنی و هرگز از موضعت جدا نمی شوی.

امام صادق(ع): جمع نمی شود شتیاق و خوف در دلی، مگر آنکه بهشت بر او واجب شود پس وقتی نماز می خوانی، با قلب خود به خدای عزوجل اقبال کن زیرا که نیست بنده مؤمنی که با قلبش به خدای تعالی در نماز و دعا اقبال کند مگر آنکه خداوند تعالی قلوب مؤمنین را به او اقبال دهد و با دوستی آنها، او را تأیید کند (و) او را به بهشت برد.

امام صادق و امام باقر علیهما السلام: نیست از برای تو از نماز مگر آنچه را که اقبال قلب داشته باشی در آن؛ پس اگر تمام آن را به غلط بجا آورد یا از آداب آن غفلت کند، آن (نمازش) پیچیده

نظر می کند نماز نخواند ولی این کارها گرچه مؤثر است ولی مشکل را حل نخواهد کرد و علاج قطعی نیست، زیرا خیال انسان با کوچکترین بهانه ای به این طرف و آن طرف پرت می شود و بارها اتفاق افتاده که با انجام امور مذکور، باز هم حواس انسان هنگام نماز، پرت شده است. گاهی هم علت حواس پرتی در نماز و تشمت خاطر و عدم حضور قلب، اموری باطنی است که دو منشأ عمده دارد که عبارتند از ۱- هرزه گردی و فرار بودن خودطایر خیال: زیرا که خیال، قوه ای است بسیار فرار که دائماً از شاخه ای به شاخه دیگر پرواز می کند و این موضوع ارتباطی با موضوع حب دنیا و توجه به مال و متال دنیوی ندارد بلکه همین فرار بودن خیال، خودش مصیبتی است که تازک دنیا هم به آن مبتلا است که ذیلاً به این موضوع و راه علاج آن خواهیم پرداخت.
۲- منشأ دیگر باطنی عدم حضور قلب، مسأله حب دنیاوتعلقی خاطر به امور پست دنیوی است که رأس کل خطیئات و ام الامراض باطنی است که خار طریق اهل سلوک و سرچشمه مصیبتناست و تا زمانی که دل، به دنیا وابسته و غرق آن است راه اصلاح قلوب، مسدود و در سعادت به روی انسان بسته است که به راه علاج آن درد نیز خواهیم پرداخت.

راه درمان هرزه گردی خیال:

هر یک از قوای ظاهری و باطنی نفس انسان قابل تربیت و تعلیم سؤال دوم) راه درمان هرزه گردی خیال در نماز کدام است؟
۱) حواس خود را خلاف سعی بعضی آسان خوش را مهیا کند که خیال نوبت در اعمال و تفکر نماز متحرکز کند و به محض پرت شدن آن رامش را ببندد و آن را اسیراج نماید.
۲) تمرین از حب دنیا تنها راه درمان آن است.
۳) در جای تاریک نماز بخواند و جسمانش را هنگام نماز خواندن ببندد به عنوان تنها راه درمان آن.
۴) استفاده از تکوینوری روز مانند مهرهای شماره انگار

صاحب یعنی با ریاضت و تربیت و صرف وقت میتوان آن را رام خود کرد. مثلاً چشم انسان قادر نیست بدون پلک زدن، به یک نقطه معین به صورت طولانی مدت نگاه کند و در آن متحرکز شود ولی مرناضها با ریاضت و سختی که به نفس خود تحصیل می کنند به چنین تسلطی بر نفس می رسند اگر چه کارشان از نظر شرعی باطل و حرام است ولی به هر حال این کار، شدنی است. منظور اینست که می توان قوای ظاهری و باطنی نفس را تربیت کرد. از جمله قوایی که قابل تربیت است، قوه خیال است به طوری که انسان نتواند تا هر وقت که خواهد آن را در مقصدی و یا مطلبی